ظن

- مکلف دوم بطوح عمد ظنی یا شرعی به ظن
  - اقسمی معتبر ظنونی که از عمد اصل خارج شده که
    - خبر واحد
      - حقیقت خبر واحد
        - ادله قائلین به حقیت خبر واحد
          - دلیل عقلی
            - طریق اول طریقی که مثلا عمت شیخ به آن تمسک میکرد
              - بیان
                - مقدمه اول در من رویاتی که در کتب معتبره وجود دارد هر خبر اصطلاحی دارم که تمام راه‌ی از این رویات از امه معصومین علیهم السلام صادر شده است
                - شیخ رویات به دست احتیاط می گرفت که حدیث صحیح نقل کنید که موافقه رایی در رویات دارم
                - مقدمه دوم رویات که تمام راه‌ی از این رویات از امه معصومین علیهم السلام صادر شده است
                - سوال رویات چه اشکوری داشتند که تبعیض در نقل حدیث عامه داشتند؟
                - تشیع
                - تکفیر اول رویات مشوه از امه معصومین علیهم السلام به طرق عرب کاف حدیث عامه داشتند
                - تکفیر دوم عامه و اسپسمدان در هر طرق دینی در کتب تاریخی طلب می کنیم و یک تاریخ را می‌خواهیم نقل کنیم و اینکه نقل این تاریخ به هم دیوری و به هم اخری دارد به دست عامه است پیش می کنیم و سعی می کنیم بدون سره در دست عرف ترسیم واضح است پیش بالای به نقل رویات می ساد که مربوط به امی شیعی و نقل حدیث عامه داشتند بسیاری شوه زیرا مربوط به مسائل حقیقی می‌باشد
                - تکفیر سوم امه معصومین علیهم السلام را به طرق عرب کاف که ما با دقیقه ، مربوع می‌سنند اما اصطاف عامه طلب داشتند که حدیث (ارسنت نقل کنیم و امی رویدن) مطرح کنید تا امی خواهد حدیث مربوع را در من اختلیت عامه بوده
                - شیخ می‌گوید که امی می‌گوییم به رویات مظنون گفتیم ، خبر ظنه ، عمل می‌کنیم مسائل اعتقادی یعنی اصل رویات را می‌گیریم یعنی رویات ظنی محسوب عمت است یعنی اصطلاح اظنی کم است یعنه برای اخباریین مسائل دارد و زیاد اصل می‌کنیم همه این رویات را مصوبه صادر شده است این فقط به عمل یا علم به کمت رویات از این رویات برای مسائل ایجاد می‌کنیم
                - سوال در من این رویات خبر اصطلاحی دارم که یک سره از رویات می‌آید است آیا می خبر به کمت رویات از این رویات برای مسائل به آن مسائل ایجاد می‌کنیم؟
                - جواب شیخ
                - مقدمه دوم رد شدن استدلال به ضروری باشدی که آن سه شرط را جزا باشد عمل نمایند
                - دلیل
                - مقدمه اول شکل نیست سه‌شکال که رو غیاست مکلف هستند
                - مقدمه دوم شکل نیست هر یک از این تکالیف برای خودش اجزاء و شرائط مختلف دارد
                - مقدمه سوم شکل نیست که هیچ راهی برای مسبب اوردن این اجزاء و شرائط وجود ندارد مگر حسی هرطرفی باشد
                - طریق دوم کلام فاضل تونی
                - بیان خبر واحد با سه شرط حقیت است
                - اول خبر در کتب معتبره نوشته شده باشد
                - دوم جمعی از اصحاب به این خبر عمل کرده باشند
                - سوم به طرق صریح عقیلی شبها این خبر را طرح نکرده باشند
                - طریق سوم کلام صاحب هدایه المسترشدین
                - بیان ، وجوه که گفته و بسته واجب است اگر رجوع علمی و یقینی مسائل بود این رجوع لازم است اگر رجوع علمی مسائل نبند باید از طرق ظنی استفاده کنیم یعنی عقلی ظنی باشند باشیم که فلان خبر حقیقت است و اگر این خبر مسائل نبند عقل حکم می‌کند که به هم دیگر رویات که اسائل این طرح به تکلیف پیدا کرده به از عمل نمایند
                - تشیع
                - اگر مستقل از سنت عقل و عقل و تکرر محسوب باشد
                - این دلیل مخلوص به خبر واحد نمی‌باشد بنابراین این دلیل عزاء اجزاء از دلیل است که می‌گوید عقلی غیر حقیقت است
                - اگر مستقل از سنت خبر عقلی یا سنت باشد
                - رجوع به این اخبار واجب نیست زیرا این رویات و احادیث بر دو قسم است
                - قسم اول رویات و احادیث عقیب قطعی نیست و سنت قلبی است که با استکره به خبرت در میز باز می‌کند که مطلق خبر قلبی می‌توان بدست آورد که این مطلب مثل نزاع باشد
                - قسم دوم رویات و احادیث عقیب قطعی نیست و سنت قلبی است که با استکره به خبرت در میز باز می‌کند که مطلق خبر قلبی می‌توان بدست آورد که این مطلب مثل نزاع باشد
                - سوال مسائل است کسی بگوید مرا از ضرورت دعی تکاوزی و اینکه مقصود به خبر قلبی عمل کنیم
                - جواب اگر مرا از ضرورت دعی تکاوزی است سوال می‌کنیم به چه دلیل تکاوزیه به دست قطعیه عمل کنیم؟ بگی از این دو دلیل را می‌توانید مطرح کنید
                - تکاوزیه به خبر قلبی عمل کنیم به این دلیل که ما عقل اصطلاح دارم که مسائل را از این اخبار از کتاب معتبر صادر شده است اصطلاح می‌توانیم تخصیص که کدام خبر صادر شده و کدام خبر صادر نشده است اما خبر ضروری (که قبل به مسئول داشتیم عقلت است این عمل طریق اول بر دلیل عقل است
                - تشکل سقط دلیل ما حقیت اعمال است و یعنی به حقیت مطلق ظن شاره ، زیرا در تمامه عمل اصطال دارم که در بین مسائل از کتاب عقیب عقلی قطع وجود دارد اگر قائل باشیم یا دارمی می‌کنیم که عمل اصطال کنیم ما قطعه و محدوده رویات مسائل و کنیت می‌باشد
                - اولا این دلیل اسا مقیه حقیقت مطلق ظن است و این شاره اخباری از دلیل اسائت است که استکلاس بیا خواهیم کنیم
                - شیخ به هیچ قبول دارد و نه رابطه با رویات خبر اصطال دارد که مسائل را از اختلاف در رویات وجود دارد که اگر این خبر عمل اصطال می‌شود که عقل اصطال قبل ما مسائل شوه ، یعنی از خبر اصطال دارد که در بین مطلق ادراک قلبه هم خبر اگر که موجود است
                - اولا این مسائل در من نظر به مقصود این است که کافی استان قطع به دست یک خبر دارد یا یقینه اگر کافی به مقصودش باشد اظن به نتیجه که این است خبر خبری که اظن به مقصودش باشد اظن به مطلق بیان خبر از ذات قلبه است استان می‌توانند به این خبر عمل کنیم
                - سوال چه قرائی وجود دارد که خبر واحد از باب احتیاط حقیت باشد یا اینکه مسئلا حقیت باشد؟
                - جواب اگر خبر واحد از باب احتیاط حقیت باشد فقط در صورتی می‌توان به خبر واحد عمل کرد که خبر واحد حقیت تکلیف بوده و شیخ مطلقی خبر یا اصول صادره و قطعیه داشته باشند اینجا می‌توان از باب احتیاط به خبر واحد عمل کرد بنابراین حقیت خبر واحد از باب احتیاط می‌شود و نه از باب یک دلیل اجتهادی
                - تشیع نتیجه دلیل این است که خبر واحد از باب احتیاط حقیت باشد فقط در صورتی می‌توان به خبر واحد عمل کرد که خبر واحد ریزی داشته باشد که استدلال این است که در ریزی باید شرط را احتیاط باشد زیرا احتیاط عقلی داریم که عقل احتیاط می‌کند و اگر احتیاط به خبر واحد عمل کرد یا دارای حقیت خبر واحد باشد زیرا احتیاط می‌شود و نه از باب یک دلیل اجتهادی
                - جواب اول مخالفی دلیل شده به مطلق خبر واحد عمل کرده به به خبر واحدی که این سه شرط را داشته باشد زیرا احتیاط عقلی داریم که این احتیاط وجود ندارد بر مطلق خبرهای واحد اگر مسائله بقلد باشد بلاد با به خبر احتیاط خبر داریم که اجراء و شرائط مسائله و تکلیفه در مطلق اینکه شده وجود دارد پس ما با باب احتیاط قلبی به خبر اینکه شده عمل کنیم و اگر احتیاط میان موجود به دلیل قلبی عمل کنیم که مطلق قلبی نیست مطلقا شده باشد خبر واحد باشد و چه خبر غیر واحد باشد مطلق دلیل این شده قرائی با دلیل مسائل شوه باشد
                - جواب دوم خلصه‌ای دلیل شما این است که از باب احتیاط به خبر واحد عمل می‌کنیم شبهه این که مقدمتی دلیل این است که در یک صورت می‌توان به خبر واحد عمل کرده و این خبر قلبی است که خبر واحد شرط و ریز را کنیت کنیم و مثلا بگوید صوت خبر است و همچنین با اصول اظنی و عملی مطلقی نباشد اگر مفهوم این است که حقیت خبر واحد به عنوان احتیاط کنیت شوند بلکه به عنوان دلیل مستقل و حقیت شرعی کنیت شود
                - شیخ نتیجه این است که این دلیلی که صاحب هدایه المسترشدین بیان فرموده‌اند مطلق است
                - جواب دوم به رویات عمل کنیم زیرا باعث اگر مسائل از این طریق از دین است این دلیل شاره اخباری از دلیل قلبی است